

فرهنگ واژه‌نمای شرفنامه حکیم نظامی

(به انضمام فرهنگ بسامدی)

(جلد اول)

الهام اقرلو

سرشناسه : اقرلو، الهام، ۱۳۵۸ -
 عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ واژه‌نمای شرفنامه حکیم نظامی (به انضمام فرهنگ بسامدی) / الهام اقرلو.
 مشخصات نشر : تهران : نسیم تحول، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری : ۲ ج
 شابک : دوره ۵- ۸۲۷۲-۴۶-۵-۱ : ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۷۲-۴۵-۸-۲ : ج ۲ : ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۷۲-۴۵-۸-۱
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : ج ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فیبا).
 موضوع : نظامی، الیاس بن یوسف، ۴۵۳۰ - ۴۶۱۴ ق. - واژه‌نامه‌های بسامدی.
 موضوع : Word frequency - Nezami, Elias - ibn yusuf
 موضوع : نظامی، الیاس بن یوسف، ۴۵۳۰ - ۴۶۱۴ ق. شرفنامه - واژه‌نامه‌ها
 موضوع : Dictionaries - Nezami, Elias - ibn - Yusuf . Sharafnameh
 موضوع : شعر فارسی - قرن ۵ ق.
 موضوع : Persian poetry -- ۱۲th century
 موضوع : فارسی - واژه‌نامه‌های بسامدی
 موضوع : Persian language -- Word frequency
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ ۴۶۱۴ الف/۱۲۶ PIR5
 رده بندی دیویی : ۸۱۱/۷۳

فرهنگ واژه‌نمای شرفنامه حکیم نظامی به انضمام فرهنگ بسامدی (جلد اول)

مولف / الهام اقرلو

ناشر / انتشارات نسیم تحول

تیراژ / ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ / اول ۱۳۹۷

قطع و صفحه / وزیری، ۹۱۰ صفحه

صفحه آرایي: سارا حسين زاده

چاپ و صحافی / میراث ماندگار

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۷۲-۴۶-۵-۱

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۷۲-۴۶-۵-۵



تهران / خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بن بست

تلفن: ۶۶۴۱۴۰۴۹

حقیقت، پلاک ۴

قیمت دوره: ۲۸۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

دیباجه	یازده
تعریف واژگان	سیزده
محدودیت‌ها	سیزده
روش کار	چهارده
شرح احوال و آثار نظامی	هجده
آثار نظامی	هجده
تأثیر از شعرای پیشین	هجده
ممدوحان	نوزده
وام داران نظامی	بیست
اسکندرنامه	بیست
شرفنامه	بیست
ویژگی‌های زبان نظامی	بیست و یک
فرهنگ واژه‌نما	۲۳
فرهنگ بسامدی	۱۶۳۱
منابع:	۱۸۲۱

دیباچه

انسان از زمانی که پای به عرصه‌ی هستی نهاد، برای زنده ماندن و ادامه‌ی حیات، نیازمند ارتباط بود، ارتباطی که انتقال‌دهنده‌ی هدفش باشد زیرا انسان موجودی بالطبع اجتماعی است و تنها وسیله‌ای که می‌تواند اندیشه‌های او را به بیرون مرتبط سازد، زبان است.

زبان همانند سایر نهفته‌های بشری، سیر تحولی داشته است که مهمترین تحول آن تبدیل گفتار به نوشتار می‌باشد؛ این تحول به انسان این امکان را می‌دهد که بتواند با گذشتگان ارتباط برقرار سازد، زیرا تا قبل از اختراع خط، ارتباط به صورت کلام و رو در رو با مخاطب بوده است.

پژوهش در مورد زبان، از این مرحله یعنی اختراع خط آغاز شده است. یکی از تحقیقات، در حیطه‌ی شناخت زبان، بررسی جزء به جزء تمامی واژگان و بسامد آنهاست که فرهنگ واژه‌نما و بسامدی این امکان را در اختیار پژوهشگران می‌تواند به ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی، تاریخی، فرهنگی، هنری، دینی، روانشناسی، جغرافیایی، ادبی و سبک‌شناسی اثر شاعر مورد نظر دست یابد. هر نویسنده‌ای، جهت تبیین افکار خود، اثری خلق نموده است که با ابزار زبان و واژگان آن را به خواننده منتقل می‌سازد.

«زبان وسیله‌ی بیان افکار و احساسات ماست و تنها وسیله یا موثرترین وسیله‌ای است که جهان اندیشه و دنیای درون ما را با بیرون مرتبط می‌کند»^۱

«واژگان، دستگاهی‌اند از نشانه‌های ارادی که به منظور بیان فکر به کار می‌ورند»^۲

جهت آشنایی با افکار شاعر، لازم است کلام شاعر که در پس واژگان معنا و مفهومی نهفته دارد را بررسی نمود و تکرار و تاکید کلمه، بیاتر و ویژگی‌های زبانی و اندیشه‌ی حاکم شاعر در اثرش می‌باشد. اساس کار، در این اثر، بررسی تکواژهای دستوری و قاموسی می‌باشد. تکواژهای هر زبان را می‌توان، به دو گروه تقسیم کرد: گروه محدود و گروه نامحدود.

«خصوصیت این دو گروه در این است که هر چه تعداد آحاد آنها کمتر باشد، بسامد آنها، بیشتر می‌شود و بالعکس هر چه تعداد آحادشان بیشتر باشد، بسامدشان کمتر می‌شود»^۳

بنابراین، تکواژهای دستوری، در دسته ی محدود و یا بسامد بالا می‌باشد و تکواژهای قاموسی، در دسته ی نامحدود یا بسامد پایین، قابل بررسی است؛ جایگاه تکواژهای قاموسی را در مدخل اصلی می‌توان جستجو

۱- باطنی، م، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، ص ۲.

۲- جهانبخش، ف، تاریخ زبان فارسی، ص ۱۶.

۳- نجفی، ا، مبانی زبان شناسی، ص ۹۵.

کرد و نیز تکواژ دستوری، زیر مدخل اصلی قرار می‌گیرد.

با این توضیح، باید گفت: در هر تحقیق می‌توان با تکواژهای دستوری فراوان مواجه شد زیرا تحقیقی را نمی‌توان یافت که در آن با عنوان مثال: حروف اضافه، علائم جمع، کسره اضافه و فعل اسنادی به کار نرفته باشد؛ اما ممکن است در یک پژوهش حتی زبانی، بعضی از واژگان قاموسی، کاربرد نداشته باشند به عنوان مثال: فعل دوسانیدن (چسبانیدن) یا دوسیدن (چسبیدن).

با توجه به موارد ذکر شده، وجود فرهنگ‌های بسامدی و واژه‌نما برای آثار ادبی، امروز دیگر امری ضروری، بلکه از امور ناگزیر در این باب است. بدون اطلاعات داده شده، توسط این فرهنگ‌ها، هرگونه تحقیق، حتی در جزئیات، کاستی دارد و صدرصد و قابل اطمینان نیست؛ چه رسد به تحقیقاتی نظیر سبک‌شناسی یک دوره و یا بررسی در تاریخ زبان و یا حتی نوشتن تاریخ ادبیات مستند و درست. فرهنگ حاضر، بر اساس نسخهٔ خامه نظامی، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی به کوشش سعید حمیدیان تنظیم شده است.

«بسامدنویسی و واژه‌نگاری، از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، به تدریج، شکلی منسجم به خود گرفت. نخستین گام‌ها را در این زمینه، زبان‌شناسان آن دوره، برداشتند و بدین ترتیب، زمینه‌ی رشد کنونی کار را با پژوهش در واژگان کتاب‌های دینی، فراهم آوردند.

واژه‌نما نگاری، نخست در انگلستان با گرفت و سپس در آمریکا به رشد و شکوفایی رسید. واژه‌نمای شکسپیر، در سال ۱۸۹۴ به کوشش جان بارنت چاپ شد؛ در آمریکا، توماس کوروین مندنهال، اوایل ۱۸۸۰ به کار بسامد شناسی کریستوفر مارلو، فرانسیس بیکن، بن جانسون... و شکسپیر پرداخت. نخستین بار ایران شناسان آلمانی، کار بر روی واژگان ادب کهن ایران را آغاز کردند و در این میان کریستیان بارتولومه، با فرهنگ ایرانی باستان خود کار را به مرتبه‌ای بلند رسانید.

این فرهنگ، حاوی واژه‌نمای تمامی واژگان متون اوستایی و پارسی باستان است. نخستین ایران‌شناسی که به بسامدنویسی آثار کلاسیک فارسی پرداخت، فریتس ولف بود که فرهنگ بسامدی شاهنامه را در دهه‌ی ۱۹۳۰ فراهم آورد.^۲

المعجم المفهرس قرآن کریم تألیف محمود فؤاد عبدالباقی نیز نمونه‌ای از واژه‌نما نگاری است و به‌عنوان یکی از آثار ارزشمند، در این زمینه به حساب می‌آید.

از نمونه‌های دیگر واژه‌نما نگاری و بسامدنویسی در ایران، واژه‌نمای بسامدی سروده‌های شهید بلخی، مقدمه‌ی شاهنامه‌ی ابومنصوری، فرهنگ واژه‌نمای غزلیات سعدی و فرهنگ واژه‌نمای حافظ را می‌توان برشمرد.

نکته: بر این واژه‌نما، فرهنگ بسامدی نیز پیوسته است که تعداد مدخل‌ها ۸۴۹۹۶ و بسامد کلمات از پربسامدترین به کم بسامدترین منظم شده است.

تعریف واژگان:

— بسامد: ^۱ به تعداد دفعه‌هایی که یک پدیده تکرار می‌شود گفته می‌شود. مثلاً واژه ی «آب» در منظومه‌ی شرفنامه، ۲۵۱ بار آمده است.

— مدخل: سر مدخل یا سر واژه، عنوانی به‌ویژه در فرهنگ، دایره‌المعارف، فهرست و مانند آنهاست که اطلاعات در ذیل آن آمده است.^۲

محدودیت‌ها:

— دشواری در تشخیص فعل مرکب (وجود دوگانگی در دستور سنتی و امروز)

— کاربرد واژگان در معانی مختلف که باعث دیرفهمی آن کلمه می‌شد مثلاً کاربرد واژه‌ی «خاک» که گاهی به معنی «کره زمین» گاهی نیز به معنی «تراب» آمده است که ممکن است ایهام تناسب را در شعر ایجاد نماید.

— برخورد با واژگان جدید که نشان‌دهنده سبک خاص شاعر می‌باشد که در هیچ فرهنگی ثبت نشده است. مانند ترکیب «خارج آهنگی» که به معنی «ناموافق و ناموزون»، زند باف (= بلبل)، شبابه (= نی و مزار).

۱- فرهنگ بزرگ سخن.

۲- همان منبع.